

## تأثیر قدرت و جنسیت بر بی‌ادبی و شیوه برخورد با آن در نمایشنامه *افول* اثر اکبر رادی

حسین رحمانی<sup>۱\*</sup>

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

### The Effect of Power and Gender on Impoliteness and its Counter Reactions in the Play *Ofool* by Akbar Radi

Hosein Rahmani<sup>\*1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Foreign Languages and Linguistics, Payame Noor University

Received: 2018/07/18 Accepted: 2018/09/10

#### Abstract

The present research aims to study how power and gender affect the choice of impolite strategies and how the addressees react to such face threatening acts in the play *Ofool* written by Akbar Radi in light of Derek Bousefield's (2008) model of impoliteness. Although developed based on Culpeper's (1996, 2005) and Culpeper et al.'s (2003) model, Bousefield's model was extended to study the addressee's reaction to impoliteness. Impolite acts are intended to threaten the face wants of the addressees. According to Bousefield's model of impoliteness, the offended addressees can choose to keep silent or take an offensive or defensive action which can vary according to individual's power and gender. The results indicated that the powerful and powerless characters used on-record and off-record impoliteness strategies, respectively. Moreover, the powerful characters and men took an offensive reaction to impoliteness while the powerless characters and women took a defensive action to impolite acts. The analysis showed that there were no statistically significant differences in the use of impoliteness strategies between men and women.

**Keywords:** power, gender, on-record impoliteness, off-record impoliteness, *Ofool*, Akbar Radi.

#### چکیده

در پژوهش حاضر تأثیر قدرت و جنسیت بر اتخاذ رویکردهای بی‌ادبی و برخورد با آن در نمایشنامه *افول* اثر اکبر رادی (۱۳۸۶ [۱۳۴۲])، بر اساس مدل بی‌ادبی درک بوسفیلد (۲۰۰۸)، مورد بررسی قرار گرفته است. بوسفیلد مدل خود را براساس مدل بی‌ادبی کالپپر (۱۹۹۶، ۲۰۰۵) و کالپپر و دیگران (۲۰۰۳) تعریف کرده است، اما در آن تغییراتی به عمل آورده تا بتواند واکنش مخاطبان را در برخورد با بی‌ادبی نیز بررسی کند. هدف انواع بی‌ادبی صدمه زدن به وجهه مخاطب است. بر اساس مدل بی‌ادبی بوسفیلد، فردی که مورد بی‌ادبی قرار گرفته می‌تواند سکوت کند یا واکنشی تدافعی یا تهاجمی از خود نشان دهد. این واکنش‌ها بر اساس جنسیت و قدرت افراد متغیر است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که شخصیت‌های فرادست و فرودست، به ترتیب، از بی‌ادبی مستقیم و بی‌ادبی غیرمستقیم استفاده می‌کنند؛ شخصیت‌های فرادست و مردان نسبت به بی‌ادبی واکنش تهاجمی دارند؛ و شخصیت‌های فرودست و زنان نسبت به آن واکنش تدافعی نشان می‌دهند. از نظر استفاده از استراتژی بی‌ادبی، میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** قدرت، جنسیت، بی‌ادبی مستقیم، بی‌ادبی غیرمستقیم، *افول*، اکبر رادی.

## مقدمه

با توجه به ساختارهای اجتماعی، قدرت همواره در دست مردان بوده و یکی از ابزارهای اجرای این قدرت استفاده از زبان است. مردان قدرت خویش را با قطع کلام زنان، تغییر موضوع مورد بحث، ندادن فرصت کافی برای ابراز نظر و امثال آنها نشان می‌دهند، که هر کدام از این موارد به نوعی تهدید وجهه شونده و بی‌ادبی به حساب می‌آید. اصولاً روا داشتن قدرت بر زیردستان مستلزم استفاده از زبانی است که عناصر نشاندار خاص خود را دارد و گاه محدوده ادب را درمی‌نوردد و به بی‌ادبی می‌رسد. البته بی‌ادبی همواره از سوی مردان و یا افراد فرادست نبوده است. گاهی افراد فرودست و زنان نیز مرتکب تهدید وجهه و بی‌ادبی می‌شوند و آنچه از اهمیت برخوردار است نحوه برخورد مخاطب با بی‌ادبی است که بوسفیلد (۲۰۰۸) استراتژی‌های برخورد با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. او معتقد است که واکنش شونده در برابر بی‌ادبی سکوت، تدافعی و یا تهاجمی خواهد بود.

بر این اساس، این پژوهش تلاشی است برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها: (۱) شخصیت‌های فرادست و فرودست بیشتر از کدام استراتژی بی‌ادبی استفاده می‌کنند و چگونه نسبت به بی‌ادبی واکنش نشان می‌دهند؟ (۲) زنان و مردان بیشتر از کدام استراتژی بی‌ادبی بهره می‌گیرند و در واکنش به بی‌ادبی از چه راهکاری استفاده می‌کنند؟ فرضیه‌های پژوهش نیز عبارتند از: (۱) شخصیت‌های فرادست بیشتر از بی‌ادبی مستقیم<sup>۱۸</sup> و شخصیت‌های فرودست بیشتر از بی‌ادبی غیرمستقیم<sup>۱۹</sup> استفاده می‌کنند؛ (۲) شخصیت‌های فرادست نسبت به بی‌ادبی واکنش تهاجمی و شخصیت‌های فرودست نسبت به آن واکنش تدافعی دارند؛ (۳) زنان بیشتر از استراتژی بی‌ادبی غیرمستقیم و مردان از استراتژی بی‌ادبی مستقیم استفاده می‌کنند؛ و (۴) زنان در برابر بی‌ادبی واکنش دفاعی و مردان در برخورد با آن واکنش تهاجمی دارند.

مبنای نظری پژوهش مدل بی‌ادبی بوسفیلد (۲۰۰۸) است. این مدل از بی‌ادبی راهکارهای شناخت بی‌ادبی کالپپر را می‌پذیرد و آنها را از نو دسته‌بندی می‌کند و افزون بر آن برخورد مخاطبان بی‌ادبی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. داده‌های پژوهش از نمایشنامه *افول* اثر اکبر رادی (۱۳۸۶) است. آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه متمایز می‌کند، تمرکز بر بازخورد بی‌ادبی از سوی شخصیت‌های این نمایشنامه، تحلیل و بررسی آماری آن است.

ادب<sup>۱</sup> و بی‌ادبی<sup>۲</sup> همچون دوروی یک سکه‌اند و بررسی یکی از آنان لاجرم بررسی دیگری را نیز در پی خواهد داشت. اما آنچه در آثار پژوهشی دیده می‌شود این است که ادب بیشتر از بی‌ادبی مورد بررسی قرار گرفته است (رک. سیفیانو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲: ۸۲-۸۳؛ ایلین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱: ۳۰-۸۶). پژوهش در حوزه ادب از گستردگی زیادی برخوردار است و پژوهشگران زیادی، از جمله هلمز<sup>۵</sup> (۱۹۹۵)، توماس<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) و واتس<sup>۷</sup> (۲۰۰۳)، ادب را مورد بررسی قرار داده‌اند. وجه مشترک تعریف آنها از ادب این است که ادب وسیله‌ای برای رعایت وجهه<sup>۸</sup> دیگران است (به نقل از می<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). گروهی دیگر از نظریه‌پردازان، همچون کریگ<sup>۱۰</sup> و دیگران (۱۹۸۶)، لیکاف<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۹) و پنمن<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۰)، پژوهش را به بی‌ادبی نیز بسط داده‌اند.

در پژوهش براون<sup>۱۳</sup> و لوینسون<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۷)، که مبتنی بر مفهوم وجهه گافمن<sup>۱۵</sup> (۱۹۶۷: ۲۱۳) و اصول گرایس<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۵: ۴۶-۴۷) است، بر این نکته تأکید می‌شود که در تبدلات کلامی آنچه سعی در حفظ وجهه مخاطب دارد مؤدبانه، و آنچه که سعی بر مخدوش کردن وجهه مخاطب دارد، بی‌ادبانه است. کالپپر<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۶: ۳۵۰) بر این باور است که هیچ‌یک از این پژوهش‌ها «به صورت جامع بر بی‌ادبی تمرکز نکرده و به شناخت ما از عملکرد و اساس نظری آن کمکی نکرده‌اند». علی‌رغم اذعان به فقدان نظریه‌ای جامع برای ادب و بی‌ادبی، پژوهشگران بسیاری به بررسی ادب، بی‌ادبی و عوامل مؤثر بر آنها پرداخته‌اند. پژوهش‌های زیادی تأیید کرده‌اند که فرادستان نسبت به فرودستان و مردان نسبت به زنان بی‌ادبی بیشتری روا می‌دارند.

1. politeness
2. impoliteness
3. Sifianou
4. Eelen
5. Holmes
6. Thomas
7. Watts
8. face
9. Mey
10. Craig
11. Lakoff
12. Penman
13. P. Brown
14. Levinson
15. Goffman
16. Grice
17. Culpeper

18. on record impoliteness

19. off record impoliteness

چنان‌که می‌دانیم امکان بررسی روابط قدرت و جنسیت دوره‌های گذشته، جز با اطلاعاتی که از آثار ادبی آن دوره‌ها می‌توان استخراج کرد، فراهم نیست. آثار ادبی و به ویژه نمایشنامه‌ها نمونه‌هایی خرد از یک جامعه کلان هستند. بررسی نمایشنامه رادی، که در سال ۱۳۴۲ نوشته شده و به نوعی منعکس‌کننده شرایط آن دوران است، از این منظر قابل توجه است.

### پیشینه پژوهش

رابطه قدرت و ادب کانون توجه مطالعات متعددی بوده است. گروهی از نظریه‌پردازان، شامل واتس و دیگران (۱۹۹۲)، واتس (۲۰۰۳)، برگر<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) و لوچر<sup>۲</sup> (۲۰۰۴: ۳۱، ۲۰۸ و ۲۱۸)، بر این باورند که افراد فرادست در موقعیت‌های خاصی سعی می‌کنند از اعمال قدرت خوددراری کنند و در عین حال افراد فرودست می‌توانند بر افراد فرادست اعمال قدرت کنند. براون<sup>۳</sup> و گیلمن<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، هالتگریوز<sup>۵</sup> (۱۹۸۶)، هالتگریوز و یونگ-نام<sup>۶</sup> (۱۹۹۰)، لیم<sup>۷</sup> و باورز<sup>۸</sup> (۱۹۹۱)، لیشتی<sup>۹</sup> و اپلگیت<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۱) و رحمانی (۱۳۹۳ و ۱۳۹۵) تأکید می‌کنند که افراد قدرتمند ادب بیشتری دریافت می‌دارند. باکستر<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۴) میزان استفاده افراد فرادست و فرودست از ادب را مورد بررسی قرار داده است. بلوم-کولکا<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۰) صحبت‌مستقیم والدین با فرزندان را به قدرت نسبت می‌دهد. موراند<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۶ و ۲۰۰۰) نیز نمود قدرت در کلام فرادستان و فرودستان را بررسی می‌کند.

مطالعاتی که بر بررسی تأثیر جنسیت بر ادب تمرکز کرده‌اند، اغلب زنان را مؤدب‌تر از مردان قلمداد کرده‌اند. پژوهشگرانی چون باکستر (۱۹۸۴)، اسمیت-هفنر<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۸)، اسمیت<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۲)، حاجی محمدی (۱۳۸۹) و

آیدین اوغلو (۲۰۱۳) تأکید می‌کنند که زنان در ارتباطات کلامی از مردان مؤدب‌ترند و در ارتباطات کلامی خویش ادب کمتری دریافت می‌دارند. البته این امری مطلق نیست؛ دی کلرک<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۲)، لادگار<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۴) عکس این امر را نشان داده و مواردی را برشمرده‌اند که در آن زنان بی‌ادب‌تر از مردان بوده‌اند و در عین حال ادب بیشتری دریافت کرده‌اند. محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵) بی‌ادبی کلامی را در نمایشنامه *صیادان* رادی بر اساس مدل بی‌ادبی کالپبر بررسی کرده‌اند، و رحمانی (۱۳۹۵) نقش زبان در بازتاب نگرش مردسالارانه را در نمایشنامه *روزنه آبی* اثر اکبر رادی مورد بررسی قرار داده است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. متن نمایشنامه *افول* برگرفته از جلد اول کتاب *روی صحنه آبی* (رادی، ۱۳۸۶) است. برای استخراج داده‌های پژوهش، ابتدا نمایشنامه چندبار از ابتدا تا انتها خوانده شد. سپس، بر اساس دو عامل قدرت و جنسیت، دیالوگ‌هایی انتخاب شدند. مجموع این دیالوگ‌ها برای عامل قدرت ۹۴ مورد و برای عامل جنسیت ۵۹ مورد بود. بر مبنای دو عامل یادشده، دیالوگ‌هایی انتخاب شدند که در آنها:

الف) یکی از شخصیت‌های درگیر در گفتگو نسبت به دیگری از قدرت بیشتری برخوردار است، تا از این رهگذر تأثیر قدرت در اتخاذ راهبرد بی‌ادبی بررسی شود. در اینجا نوع بی‌ادبی صورت گرفته از سوی شخصیت‌های فرادست و فرودست مشخص می‌شود. از سوی دیگر، تدافعی یا تهاجمی بودن واکنش این شخصیت‌ها به بی‌ادبی صورت گرفته نیز ذکر می‌گردد. استراتژی‌های بی‌ادبی هر یک از این شخصیت‌های فرادست و فرودست در جدول‌های جداگانه‌ای نشان داده خواهد شد. سپس، مجموع استراتژی‌های بی‌ادبی مورد استفاده فرادستان و فرودستان در جدول جداگانه‌ای ذکر شده و سرانجام بر اساس آزمون آماری  $\chi^2$  دو مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. علاوه بر این، واکنش شخصیت‌های فرادست و فرودست نسبت به بی‌ادبی نیز در جدول جداگانه‌ای آمده و بر اساس همان آزمون آماری تحلیل می‌شود.

ب) یکی از شخصیت‌های درگیر در گفتگو مؤنث است. از این منظر می‌توان تأثیر عامل جنسیت بر بی‌ادبی و واکنش به

1. Berger
2. Locher
3. R. Brown
4. Gilman
5. Holtgraves
6. Joong-Nam
7. Bowers
8. Lim
9. Leichty
10. Applegate
11. Boxtter
12. Blum-Kulka
13. Morand
14. Smith-Hefner
15. Smith

16. De Klerk

17. Ladegaard

به حریم دیگری (چه به صورت واقعی، مانند نشستن در کنار دیگری در مکانی نزدیک‌تر از آنچه روابط اجازه می‌دهد، و چه به صورت استعاری، مانند پرسیدن و یا صحبت کردن درباره اطلاعاتی که با توجه به نوع ارتباط بسیار خصوصی هستند)، نوبت صحبت به دیگری ندادن و قطع کردن صحبت‌های وی (بوسفیلد، ۲۰۰۸: ۹۹). وی مدل کالپیر را در ذیل دو دسته فراراهکار<sup>۳</sup> بی‌ادبی می‌گنجد، که در ادامه شرح داده می‌شوند.

### مدل بی‌ادبی بوسفیلد

#### بی‌ادبی مستقیم

استفاده از استراتژی‌هایی که آشکارا الف) به وجهه مخاطب آسیب می‌زنند؛ ب) وجهه مخاطب را به شیوه‌ای نامتعادل و یا متناقض ترسیم می‌کنند؛ و ج) خواسته‌ها، نیازها و حقوق مخاطب را نادیده می‌گیرند و یا از ترکیبی از آنها استفاده می‌کنند. این حملات به صورت مستقیم در بافت کلامی صورت می‌گیرند.

#### بی‌ادبی غیرمستقیم

استراتژی‌هایی را که وجهه مخاطب را به صورت تلویحی و غیرمستقیم مورد تهدید یا آسیب قرار می‌دهند می‌توان لغو کرد (برای مثال مورد انکار قرار گیرد، توضیحی برای آن ارائه شود، یا تعدیل شود) اما «یکی از مقاصد و اهداف گوینده بیشتر از دیگر مقاصد وی جلوه می‌کند» (کالپیر، ۲۰۰۵: ۴۴). طعنه<sup>۴</sup> و خودداری از ادب<sup>۵</sup> در جایی که انتظار ادب می‌رود، تحت این عنوان قرار می‌گیرند.

#### الف) طعنه

طعنه استفاده از استراتژی‌ها و یا ترکیبی از استراتژی‌ها است که در ظاهر با حفظ وجهه متناسبند، اما منظور از بکار بردن آنها دقیقاً عکس آن است. به عبارتی دیگر، بیانی که در ظاهر خواسته‌ها و نیازهای مربوط به وجهه مخاطب را برآورده می‌کند و به آنها احترام می‌گذارد اما در واقع با هدف حمله و آسیب به وجهه مخاطب مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ب) خودداری از ادب

خودداری از ادب دقیقاً در جایی که انتظار ادب می‌رود و یا نشان دادن ادب ضروری می‌نماید.

آن را مورد بررسی قرار داد. در اینجا بی‌ادبی صورت گرفته از سوی شخصیت‌های زن و مرد مشخص می‌شود و در جدول‌های جداگانه‌ای ذکر می‌گردد. سپس، مجموع استراتژی‌های بی‌ادبی مورداستفاده زنان و مردان در جدول جداگانه‌ای ارائه شده و بر اساس آزمون آماری خی‌دو مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بعد از آن واکنش هریک از شخصیت‌های زن و مرد به بی‌ادبی صورت گرفته از سوی دیگری، براساس اینکه تدافعی یا تهاجمی باشد، در جدول‌های دیگری ثبت می‌شود و با استفاده از آزمون آماری خی‌دو تحلیل می‌شود.

### چارچوب نظری

بوسفیلد بی‌ادبی را انجام اعمال و افعالی می‌داند که «عامدانه و از روی قصد قبلی با هدف تهدید وجهه مخاطب، الف) به شکل تعدیل نشده در جایی که انتظار می‌رود از شدت بیان کاسته شود و نیز ب) با پرخاشگری عمدی به منظور افزایش آسیب به وجهه» صورت می‌گیرد. علاوه بر این، برای اینکه «بی‌ادبی، بی‌ادبی موفقیت آمیزی تلقی شود، بایستی مخاطب متوجه شود که هدف گوینده تهدید و آسیب رساندن به وجهه او است» (بوسفیلد و لوچر، ۲۰۰۸: ۱۳۲).

بوسفیلد معتقد است که مدل بی‌ادبی لاجینیشت<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) و کالپیر (۱۹۹۶، ۲۰۰۵) و کالپیر و دیگران (۲۰۰۳) بر اساس مدل ادب براون و لوینسون است اما در جهت عکس و در تقابل با آن. با وجود این، وی مدل آنها را ناقص می‌داند و در آن اصلاحاتی انجام می‌دهد. او مدل خود را از بی‌ادبی ارائه می‌دهد که بنیان پژوهش حاضر نیز بر آن استوار است. بوسفیلد راهکارهای شناسایی بی‌ادبی کالپیر، از جمله راهکارهای شناخت بی‌ادبی غیرمستقیم را می‌پذیرد. برخی از این راهکارها عبارتند از: نادیده گرفتن، بی‌اعتنایی<sup>۲</sup> به دیگری، دیگری را از فعالیتی محروم کردن، با دیگری همراهی نکردن، از نشستن با همدیگر اجتناب کردن، نشان ندادن علاقه، توجه و همدردی، استفاده از نشانگرهای هویتی نامناسب، استفاده از زبان سری یا مبهم، مطرح کردن موضوعات تنش‌زا، آشکارا مخالفت کردن، باعث ناراحتی یا ناآرامی دیگری شدن، استفاده از کلمات تابو (فحش و دشنام یا بدزبانی)، استفاده از اسم‌های موهن و تحقیرآمیز برای شنونده، ترساندن، تحقیر کردن، خوار شمردن، تجاوز کردن

3. super-strategy

4. sarcasm

5. withholding politeness

1. Lachenicht

2. snub

### واکنش‌های مخاطب در برابر بی‌ادبی

مخاطبی که با بی‌ادبی روبرو شده است دو راهکار در پیش روی خود دارد: او یا باید سکوت کند و در برابر بی‌ادبی گوینده پاسخی ندهد و یا پاسخ به آن دهد. در صورتی که پاسخ دهد نیز دو راه وجود دارد: یا بی‌ادبی گوینده را بپذیرد و یا با آن مقابله کند. چنانچه تصمیم به تقابل گرفته باشد یا باید تدافعی عمل کند و از خود در برابر بی‌ادبی گوینده دفاع کند، یا باید به وی حمله کند.

### تحلیل داده‌ها

#### نمایشنامه افول

نمایشنامه افول اکبر رادی به دوران ارباب-رعیتی برمی‌گردد، که در آن دوران اربابان و ملاکان بر روستائیان و کشاورزان حکمرانی می‌کردند. آنان حاصل زحمات کشاورزان و روستائیان را هنگام برداشت محصول از آنان می‌گرفتند و چیزی در حدود یک‌سوم آن را به روستائیان برمی‌گرداندند. این مقدار برای ارتزاق آنان کافی نبود، در نتیجه در طول سال برای تأمین مایحتاج خود از همان اربابان و ملاکان قرض می‌گرفتند تا در فصل برداشت به آنان پس دهند. به این صورت آنان همواره مقروض درگاه ارباب بودند و برای تأدیة این بدهی حاضر بودند از همه اوامر ارباب تبعیت کنند. اگر کسی معترض می‌شد او را از روستا می‌رانند و حتی گاهی به دلیل نزدیکی و دوستی اربابان مناطق مجاور، این افراد مجبور می‌شدند به جاهای دورتر بروند تا شاید بتوانند نزد اربابی دیگر جایگاهی برای خود پیدا کنند. با این وصف روستائیان و کشاورزان همواره تحت سلطه و سیطره ارباب بودند و هیچگاه اعتراضی نمی‌کردند. در چنین شرایطی است که «مهندس جهانگیر معراج» وارد «نارستان» می‌شود و تلاش می‌کند روستائیان را بر علیه صاحبان قدرت بشوراند.

مهندس جهانگیر معراج بعد از ورود به نارستان با دختر یکی از مالکان آنجا ازدواج می‌کند و در خانه آنها سکنی می‌گزیند. هدف جهانگیر ایجاد تغییر در زندگی ساکنین آنجا است و در راستای همین هدف یک چاه آرتزین حفر می‌کند و در پی ساخت مدرسه‌ای شش کلاسه در زمین‌های پدرزنش، «عماد»، در نارستان است. اما این مدرسه که می‌تواند به مرکز مبارزه با استثمار مالکان تبدیل شود، به مذاق مالکان آنجا، از جمله پدرزنش و نیز «کسمایی»، خان بزرگ، خوش نمی‌آید. در نتیجه آنها نهایت تلاش خود را می‌کنند که این کار انجام نشود. عماد املاک خویش را به کسمایی می‌فروشد

و «تقی میلانی»، مدیر مدرسه، را وادار می‌کند که سند واگذاری آن را بنویسد. کسمایی برای مبارزه با مدرسه اقدام به راه‌اندازی یک تکیه می‌کند که در آنجا فردی به نام «حاجی میر» اعلام می‌کند «آقایون مدرسه وا می‌کنن که تکیه رو ببندن». این افراد سعی می‌کنند مردم را بر ضد جهانگیر بشورانند و موفق می‌شوند، به طوری که به خانه وی حمله می‌کنند. جهانگیر در آخر شکست را می‌پذیرد و با همسرش، «مرسده»، مجبور به ترک نارستان می‌شود.

از آنجا که ذکر همه دیالوگ‌های بررسی شده نیاز به فضای زیادی دارد و در این مقاله نمی‌گنجد، تنها تحلیل سه دیالوگ، به عنوان نمونه، در ادامه می‌آید.

#### عماد و «گداخان»

زمینه: عماد گداخان را به ماندن در نارستان و کار روی زمین‌های کشاورزی تشویق می‌کند.

**عماد:** (می‌نشیند روی نیمکت) با این پشتکار که تو داری، اگه تیمور لنگ جای مورچه تو رو دیده بود، یقین دنیا را گرفته بود. (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**گداخان:** چه کنیم دیگه ارباب، کار دیگه‌ای از دسمون نمی‌آد. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** (چیچی در می‌آورد و آتش می‌زند). یه کف دس زمینت دادم که بتونی از قبلش یه زندگی مفتی بکنی، اما تو سی تا سی تا مرغارو زنبیل می‌زنی می‌ری رشت و توگاراژا پلاسی. شنیده‌م اون جام خیلی نقلا داری: شباتوی مهمونخونه میخوابی، سر گذر دستو پر کمرت می‌زنیو پیسی میخوروی. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم).

**گداخان:** (نیش خورده، زیرلبک). ارث بابا شونو که نمی‌خورم. (راهکار دفاعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** (چیچش را به لبه نیمکت می‌زند و خاموش می‌کند). میدونی گدا؟ دو چیز بهام نمی‌چسبه: توتون نم کشیده و حاضر جوابی. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم).

**گداخان:** من، من نمی‌خواستم جسارت کنم. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** تو گردنت بره، باز تخم اون مردکه هستی. یه نگاهی به ریختت بکن: مٹ کولیا متصل این دور و ورا پخشی. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**گداخان:** خیال می‌کنین خوشم می‌آد؟ (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** لابد می‌خواستی خودمو واست تیکه پاره کنم؟ (راهکار

تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**فرنگیس:** من نمیدونم اینجا چه اتفاقی افتاده. (راهکار

تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** البته که نمی‌دونی؛ چون تو هم مث اونای دیگه به

خوش‌نشینی عادت کردی. فقط می‌چرین و دُنبه زیاد

می‌کنی. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**فرنگیس:** این چی می‌گه؟ من دارم می‌لرزم. (راهکار

تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** راستش اصلاً نمی‌دونم چرا ماهانه پول تو حسابت

می‌ذارم، نه خیال کنی دستم واسه چهار تا اسکناس ریشه

می‌گیره؛ نه! (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم) موضوع چیز

دیگه‌س: من نمی‌خوام بلایی که این سر خودش آورد، سر تو

هم بیاد برای آخرین بارم بهات می‌گم: پاتو قاعدهٔ گلیمت دراز

کن؛ دیگه اون فیئهٔ لعنتی رو سرت نذار! (راهکار تهاجمی) -

(بی‌ادبی مستقیم)

**فرنگیس:** توقع داشتن با شلیته برگردم؟ (راهکار

تهاجمی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** بینم! تو این لباسو واسه چی پوشیدی؟ (راهکار

تهاجمی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**فرنگیس:** مده. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** زیرابروتو واسه چی برداشتی؟ (راهکار تهاجمی) -

(بی‌ادبی غیرمستقیم)

**فرنگیس:** این به خودم مربوطه. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی

مستقیم)

**عماد:** همهٔ این قُدُقدا مال اونه که دلت خروس می‌خواد.

(راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**فرنگیس:** اگه من به سنی رسیده‌م که می‌تونم به خیلی

چیزها فکر کنم، چه مانعی داره اینم یکی از اونا باشه؟

(راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

### جدول ۳. فراوانی بی‌ادبی شخصیت‌های زن و مرد

بی‌ادبی مستقیم	بی‌ادبی غیرمستقیم	
۷	۲	عماد (شخصیت فرادست/ مرد)
۲	۷	فرنگیس (شخصیت فرودست/ زن)

**عماد:** پس چته؟ چه مرگته؟ برو سوار زمینت شو. برو اگه

جوهرشو داری، اونجا رو بیا. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی

مستقیم)

**گداخان:** پام دیگه طرف زمین نمی‌ره. (راهکار تدافعی) -

(بی‌ادبی غیرمستقیم) (پردهٔ اول، ۱۳۳-۱۳۴)

### جدول ۱. فراوانی بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست

بی‌ادبی مستقیم	بی‌ادبی غیرمستقیم	
۳	۲	عماد (شخصیت فرادست)
۰	۵	گداخان (شخصیت فرودست)

### جدول ۲. فراوانی راهکارهای برخورد با بی‌ادبی از سوی

شخصیت‌های فرادست و فرودست

راهکار تدافعی	راهکار تهاجمی	راهکار سکوت	
۰	۵	۰	عماد (شخصیت فرادست)
۵	۰	۰	گداخان (شخصیت فرودست)

### عماد و «فرنگیس»

زمینه: فرنگیس دختر عماد است که در تهران دانشجوی است.

او با سر و وضعی نامتناسب با آنچه در نارستان مرسوم است

به آنجا بازگشته است. گفتگوی زیر هنگام مواجههٔ وی با پدر

صورت می‌گیرد:

**عماد:** ... چند روز این جایی؟

**فرنگیس:** ... آنقدر می‌مونم که به‌ام بد نگذره. (راهکار

تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** تو از همون بچگی یه افاده‌ای تو فلزت بود که آدم

نمی‌تونست بگه بالا چشمتم ابرو. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی

مستقیم)

**فرنگیس:** من که حرفی نزدم؛ تور و خدا مرسته من حرفی

زدم؟ (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** ... همچی خودشو رنگ و روغن زده، انگار اومده شب

نشینی، مگه باباش کیه؟ (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**فرنگیس:** بعد از یه سال این رسم پذیرایی نیس قربون.

(راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

واسم دراز می‌کنی. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)  
میلانی را دعوت به سکوت می‌کنند.

**جدول ۵.** فراوانی بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست

بی‌ادبی غیرمستقیم	بی‌ادبی مستقیم	
۰	۶	عماد (شخصیت فرادست)
۵	۰	میلانی (شخصیت فرودست)

**جدول ۶.** فراوانی راهکارهای برخورد با بی‌ادبی از سوی شخصیت‌های فرادست و فرودست

راهکار سکوت	راهکار تهاجمی	راهکار تدافعی	
۰	۵	۰	عماد (شخصیت فرادست)
۱	۰	۵	میلانی (شخصیت فرودست)

### آزمون فرضیه‌ها

مجموع فراوانی بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست و نیز راهکارهای آنها در برخورد با بی‌ادبی، که از تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از نمایشنامه‌ی افول حاصل شده، در جدول‌های شماره (۷) تا (۱۰) ذکر شده‌است. این داده‌ها، به شرحی که خواهد آمد، برای آزمون فرضیه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### آزمون فرضیه اول

**جدول ۷.** مجموع فراوانی‌های بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست

مجموع	شخصیت		
	فرودست	فرادست	
۴۱	۹	۳۲	مستقیم
۱۰۰	۵۹	۴۱	غیرمستقیم
۱۴۱	۶۸	۷۳	

جدول شماره (۷) فراوانی استراتژی‌های بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم را براساس قدرت شخصیت‌ها نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های فرادست در

**جدول ۴.** فراوانی راهکارهای برخورد با بی‌ادبی از سوی شخصیت‌های مرد و زن

راهکار سکوت	راهکار تهاجمی	راهکار تدافعی	
۰	۹	۰	عماد (شخصیت فرادست / مرد)
۰	۳	۶	فرنگیس (شخصیت فرودست / زن)

### عماد و میلانی

زمینه: عماد به جهانگیر اعلام می‌کند که نمی‌گذارد مدرسه ساخته شود، چون مدرسه در زمین‌های او قرار دارد. جهانگیر وی را از این کار برحذر می‌دارد چون مردم ممکن است وی را بی‌عاطفه قلمداد کنند که با عکس‌العمل عماد روبرو می‌شود:  
**عماد:** مردم به گور پدرشون می‌خندن. (بی‌ادبی مستقیم)  
**میلانی:** عذر می‌خواهم آقای فسخامی؛ اینجا مردم محترمی نشسته‌ن. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)  
**عماد:** جنابعالی کی باشن؟ (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**میلانی:** بنده مدیر مدرسه «نارستان». (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)  
**عماد:** فکر نمی‌کردم اقیانوسی به عمق یه سانتی این همه تلاطم داشته باشه! (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)  
**میلانی:** (برآشفته بلند می‌شود). می‌رم. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

...

**عماد:** من می‌خواهم بدونم این تقی چرا اینقدر به خودش باد می‌کنه. ها؟ (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)  
**میلانی:** خانوم معراج، بنده انسان بی‌ارزشی نیستم، و اجازه نمی‌دم کسی منو به اسم کوچک صدا کنه. (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)

**عماد:** همینقدر می‌دونم خیلی گندی تو میلانی! به هیچ صراطی هم مستقیم نمی‌شی. هر جا می‌رم، خودتو نشون میدی و هی تو چشم می‌ای. (راهکار تهاجمی) - (بی‌ادبی مستقیم)

**میلانی:** نمی‌تونم ببینم، اهانت می‌کنی، غریب گیر آوردن... (راهکار تدافعی) - (بی‌ادبی غیرمستقیم)  
**عماد:** حالام که راه می‌افتی خونه من و زبونتو یه چارک

می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های فرادست در برخورد با بی‌ادبی بیشتر از راهکار تهاجمی (۵۵ مورد) استفاده می‌کنند. از دیگر سو، شخصیت‌های فرودست بیشتر از راهکار تدافعی (۵۰ مورد) استفاده می‌کنند. براساس آزمون آماری خی‌دو، فرضیه دوم این پژوهش، «شخصیت‌های فرادست نسبت به بی‌ادبی واکنش تهاجمی و شخصیت‌های فرودست نسبت به آن واکنش تدافعی دارند»، با مقدار خی‌دو  $45/742$  و درجه آزادی دو، با سطح اطمینان  $99\%$  ( $P \leq 0/000$ ) مورد تأیید قرار گرفت. این یعنی از نظر استفاده از راهکارهای برخورد با بی‌ادبی تفاوت معناداری بین شخصیت‌های فرادست و فرودست وجود دارد و بر اساس فراوانی ذکر شده در جدول شماره (۸)، در مجموع، شخصیت‌های فرادست بیشتر از راهکار تهاجمی و شخصیت‌های فرودست بیشتر از راهکار تدافعی استفاده می‌کنند. نکته جالب در اینجا این است که شخصیت‌های قدرتمند داستان (عماد و کسامی) بی‌ادبی دیگر شخصیت‌ها را نسبت به خود بر نمی‌تابند و نسبت به آن واکنش تهاجمی از خود نشان می‌دهند. اما از دیگر سو، شخصیت‌های فرودست داستان اگرچه مورد بی‌ادبی قرار می‌گیرند، از مقابله به مثل و واکنش تهاجمی ناتوانند و بیشتر به صورت تدافعی از خود واکنش نشان می‌دهند؛ به عبارتی دیگر، به جای مقابله به مثل سعی می‌کنند از خود دفاع کنند.

#### آزمون فرضیه سوم

جدول ۹. مجموع فراوانی‌های بی‌ادبی شخصیت‌های مرد و زن

مجموع	جنسیت		بی‌ادبی
	زن	مرد	
۱۲	۴	۸	مستقیم
۱۸	۱۲	۸	غیرمستقیم
۳۰	۱۶	۱۶	

جدول شماره (۹) مجموع فراوانی‌های بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم را براساس جنسیت شخصیت‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های مرد در مجموع از ۸ مورد بی‌ادبی مستقیم استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر، شخصیت‌های زن در مجموع از ۱۲ مورد بی‌ادبی غیرمستقیم استفاده کرده‌اند. براساس آزمون آماری خی‌دو، فرضیه سوم پژوهش، «زنان بیشتر از استراتژی بی‌ادبی غیرمستقیم و مردان از استراتژی بی‌ادبی مستقیم استفاده می‌کنند»، با

مجموع ۷۳ مورد بی‌ادبی داشته‌اند که، از این تعداد، ۳۲ مورد بی‌ادبی مستقیم و ۴۱ مورد بی‌ادبی غیرمستقیم بوده است. از سوی دیگر، از مجموع بی‌ادبی‌های صورت گرفته از سوی شخصیت‌های فرودست، ۹ مورد بی‌ادبی مستقیم و ۵۹ مورد بی‌ادبی غیرمستقیم بوده است. براساس آزمون آماری خی‌دو، فرضیه نخست این پژوهش، «شخصیت‌های فرادست بیشتر از بی‌ادبی مستقیم و شخصیت‌های فرودست بیشتر از بی‌ادبی غیرمستقیم استفاده می‌کنند»، با مقدار خی‌دو  $14/536$  و درجه آزادی یک، با سطح اطمینان  $99\%$  ( $P \leq 0/000$ ) مورد تأیید قرار گرفت. این بدان معنی است که بین شخصیت‌های فرادست و فرودست از نظر استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم تفاوت معناداری وجود دارد و بر طبق فراوانی ذکر شده در جدول شماره (۷)، در مجموع شخصیت‌های فرادست بیشتر از بی‌ادبی مستقیم و شخصیت‌های فرودست بیشتر از بی‌ادبی غیرمستقیم استفاده می‌کنند. این امر در نمایشنامه *افول* بیانگر آن است که شخصیت‌های قدرتمند نمایشنامه (عماد و کسامی)، در برخورد با شخصیت‌های دیگر، به ویژه جهانگیر و فرخ که از آرمان‌گرایان و تجددخواهان این نمایشنامه محسوب می‌شوند، تا جایی که امکان داشته باشد از بی‌ادبی مستقیم استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، شخصیت‌های فرودست از قدرت کافی برای بی‌ادبی مستقیم برخوردار نیستند و از این رو، اگر کنش بی‌ادبانه‌ای هم انجام دهند آن را به صورت غیرمستقیم انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، شخصیت‌های قدرتمند داستان تا جایی که امکان دارد از قدرت خویش و نظامی که آنها را در جایگاه فرادست و دیگران را در جایگاه فرودست قرار داده است، دفاع می‌کنند.

#### آزمون فرضیه دوم

جدول ۸. مجموع فراوانی‌های راهکارهای برخورد با بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست

مجموع	شخصیت		راهکار
	فرودست	فرادست	
۶۳	۵۰	۱۳	تدافعی
۷۲	۱۷	۵۵	تهاجمی
۴	۴	۰	سکوت
۱۳۹	۷۱	۶۸	

جدول شماره (۸) مجموع فراوانی‌های راهکارهای برخورد با بی‌ادبی شخصیت‌های فرادست و فرودست را نشان



شخصیت‌های زن بیشتر راهکار تدافعی (۱۲ مورد) را بر می‌گزینند. براساس آزمون آماری خی‌دو، فرضیه چهارم این پژوهش، «زنان در برابر بی‌ادبی واکنش دفاعی و مردان در برخورد با آن واکنشی تهاجمی دارند»، با مقدار خی‌دو ۱۲/۸۳۳ و درجه آزادی دو، با سطح اطمینان ۹۵٪ ( $P \leq 0/02$ ) مورد تأیید قرار گرفت. این یعنی بین شخصیت‌های مرد و زن از نظر استفاده از راهکارهای برخورد با بی‌ادبی تفاوت معناداری وجود دارد و بر اساس فراوانی ذکرشده در جدول شماره (۱۰)، در مجموع شخصیت‌های مرد بیشتر از راهکار تهاجمی و شخصیت‌های زن بیشتر راهکار تدافعی استفاده می‌کنند. بی‌ادبی‌های صورت‌گرفته از سوی زنان به هیچ عنوان به مذاق پدر خوش نمی‌آید و در مقابل اغلب آنها واکنش تهاجمی نشان می‌دهد. اما دختران عماد ترجیح می‌دهند به جای تقابل از وجهه خویش دفاع کنند و در نتیجه واکنش آنها به بی‌ادبی بیشتر به صورت تدافعی است.

### نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های تحقیق بر اساس آزمون آماری خی‌دو در چارچوب نظریه بوسفیلد نشان می‌دهد که شخصیت‌های فرادست از بی‌ادبی مستقیم و شخصیت‌های فرودست از بی‌ادبی غیرمستقیم استفاده می‌کنند. این فرضیه با مقدار خی‌دو ۱۴/۵۳۶ و درجه آزادی یک، با سطح اطمینان ۹۹٪ ( $P \leq 0/000$ ) مورد تأیید قرار گرفت. بر این اساس، بین شخصیت‌های فرادست و فرودست از نظر استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم تفاوت معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، شخصیت‌های فرادست نسبت به بی‌ادبی واکنش تهاجمی و شخصیت‌های فرودست نسبت به آن واکنش تدافعی دارند. شخصیت‌های فرادست در برخورد با بی‌ادبی بیشتر از راهکار تهاجمی (۵۵ مورد) و شخصیت‌های فرودست بیشتر از راهکار تدافعی (۵۰ مورد) استفاده می‌کنند. براساس آزمون آماری خی‌دو این فرضیه با مقدار خی‌دو ۴۵/۷۴۲ و درجه آزادی دو، با سطح اطمینان ۹۹٪ ( $P \leq 0/000$ ) مورد تأیید قرار گرفت. این بدان معنی است که بین شخصیت‌های فرادست و فرودست از نظر استفاده از راهکارهای برخورد با بی‌ادبی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، این فرضیه که «زنان در برابر بی‌ادبی واکنش دفاعی و مردان در برخورد با آن، واکنشی تهاجمی دارند.» با مقدار خی‌دو ۱۲/۸۳۳ و درجه آزادی دو، با سطح اطمینان ۹۵٪ ( $P \leq 0/02$ ) مورد تأیید قرار گرفت. این یعنی بین شخصیت‌های مرد و زن از نظر استفاده

مقدار خی‌دو ۲/۱۳۳ و درجه آزادی یک، مورد تأیید قرار نگرفت. این بدان معنی است که هرچند بین شخصیت‌های زن و مرد از نظر فراوانی استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم تفاوت وجود دارد، اما این تفاوت معنادار نیست. نکته جالب این است که اگرچه انتظار می‌رود دختر در مقابل پدرش از استراتژی‌های ملایم‌تری استفاده کند، اما از آنجا که وی شهردیده و تحصیل‌کرده علوم اجتماعی است، دیگر ارزش‌های نارستان را نمی‌پذیرد و در مقابل بی‌ادبی‌های کلامی پدر به صورت تهاجمی برخورد می‌کند؛ این دقیقاً همان باور عماد است که بر مبنای آن تجدد و نخواستی برابر است با از دست رفتن احترام به بزرگ‌تر و شکستن بسیاری از تابوها. از سوی دیگر، مرسته نیز، که در زندگی شخصی‌اش فاقد بچه است و این به معنای «کاشتن دم در» و فقدان «ملاطی است که زندگی را استحکام می‌بخشد»، از سوی عماد مورد انتقاد قرار می‌گیرد و او نیز به همان شیوه فرنگیس از وجهه خود دفاع می‌کند و گاه مرتکب بی‌ادبی می‌شود. بنابراین، زنانی که رادی در این نمایشنامه تصویر کرده است، هنجارهای حاکم بر جامعه را، مبنی بر رعایت ادب و پرهیز از بی‌ادبی از سوی زنان، به چالش می‌کشند؛ هرچند آنان نیز این هنجارها را به صورت نسبی رعایت می‌کنند اما این رعایت معنادار نیست. به عبارت دیگر، زنان نمایشنامه رادی نیز در حال به چالش کشیدن نظام‌های حاکم بر نارستان هستند، هرچند به طور کامل از آن رهایی نیافته‌اند؛ گویی آنان مرحله گذار را طی می‌کنند.

### آزمون فرضیه چهارم

جدول ۱۰. مجموع فراوانی‌های برخورد با بی‌ادبی شخصیت‌های

مرد و زن

مجموع	جنسیت			
	زن	مرد		
۱۴	۱۲	۲	تدافعی	راهکار
۱۷	۴	۱۳	تهاجمی	
۱	۱	۰	سکوت	
۳۲	۱۷	۱۵		

جدول شماره (۱۰) مجموع فراوانی‌های برخورد با بی‌ادبی از سوی شخصیت‌های مرد و زن را نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود، شخصیت‌های مرد در برخورد با بی‌ادبی بیشتر از راهکار تهاجمی (۱۳ مورد) استفاده می‌کنند، اما

است. اما اینکه بین شخصیت‌های زن و مرد از نظر فراوانی استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم تفاوت معناداری وجود ندارد، به این دلیل است که رادی جامعه‌ای در حال گذار را به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که در آن زنان در حال تغییر و دگرگون کردن اوضاع خویش هستند. دختر کوچک‌تر عماد زندگی در روستا را ترک کرده و برای تحصیل به شهر رفته است و ارزش‌های وی دیگر آن ارزش‌های سنتی روستایی نیستند. او مرزهایی کلامی را که مختص زنان پنداشته می‌شد، درنور دیده و پا را از آنها فراتر نهاده است و، به این ترتیب، گفتارش را به نوع گفتار مردان نزدیک کرده است. از نظر پوشش و آرایش نیز او رسم و رسوم را به کناری نهاده و پوشش مطلوب خود را دارد. از آنجا که در جامعه مردسالار همواره گفتار و کردار مرد را به عنوان مبنای ایده‌آل در نظر گرفته‌اند، زنان این جامعه در حال گذار نیز سعی می‌کنند گفتار خویش را به این استاندارد مردانه نزدیک کنند و به همین دلیل است که بین شخصیت‌های زن و مرد تفاوت معناداری از نظر استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم وجود ندارد.

از راهکارهای برخورد با بی‌ادبی تفاوت معناداری وجود دارد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که فرضیه «زنان بیشتر از استراتژی بی‌ادبی غیرمستقیم و مردان از استراتژی بی‌ادبی مستقیم استفاده می‌کنند»، با مقدار کمی دو ۲/۱۳۳ و درجه آزادی یک، تأیید نمی‌شود. بر اساس این آزمون، هرچند بین شخصیت‌های زن و مرد از نظر فراوانی استفاده از بی‌ادبی مستقیم و غیرمستقیم تفاوتی وجود دارد، اما این تفاوت معنادار نیست.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که قدرت رابطه مستقیمی با بی‌ادبی دارد؛ یعنی هرچه فرد قدرت بیشتری داشته باشد، در کلام خود از بی‌ادبی بیشتری استفاده می‌کند. شخصیت‌های فرادست چون دارای قدرت هستند، در خود توان بی‌ادبی مستقیم را می‌بینند و از سوی دیگر در مخاطب فرودست توان تهاجمی نمی‌بینند و هرگاه با بی‌ادبی روبرو شوند با آن به طور مستقیم برخورد می‌کنند. در افراد فرودست، با توجه به اینکه در برابر فرادستان قدرت کمتری دارند، از بی‌ادبی مستقیم پرهیز می‌کنند و روی به بی‌ادبی غیرمستقیم می‌آورند و حتی واکنش آنان به بی‌ادبی فرادستان، نه تهاجمی، بلکه تدافعی و در راستای حفظ وجهه خودشان

## منابع

رحمانی، حسین (۱۳۹۵). نقش زبان در بازتاب نگرش مردسالارانه: بررسی موردی نمایشنامه *روزنه آبی* اثر اکبر رادی. *مجله ادبیات داستانی دانشگاه پیام نور*، دوره ۵، شماره ۲، ۶-۲۰.

محمودی بختیاری، بهروز و سمیه سلیمیان (۱۳۹۵). بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایشنامه *صیادان*. *جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۲۹-۱۴۹.

حاجی محمدی، ساناز (۱۳۸۹). *بررسی زبان غیرمؤدبانه بین زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

رادی، اکبر (۱۳۸۶). *روی صحنه آبی*. تهران: قطره

رحمانی، حسین (۱۳۹۳). نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان. *مجله زبان و زبان‌شناسی*. سال دهم، شماره ۲، (پیاپی ۲۰)، ۳۱-۵۶.

Aydinoğlu, N. (2013). Politeness and Impoliteness Strategies: An Analysis of Gender Differences in GERALYN L. HORTON'S Plays. *Procedia-Journal of Social and Behavioral Sciences*, 83, 473-482.

Baxter, L. A. (1984). An investigation of compliance-gaining as politeness. *Human Communication Research*, 10(3), 427-456.

Berger, C. (1994). Power, dominance, and social interaction. In M. L. Knapp & G. R. Miller (Eds.), *Handbook of interpersonal communication* (pp. 450-507). Thousand Oaks, Calif: Sage.

Blum-Kulka, S. (1990). You don't touch lettuce with your finger: Parental politeness in family discourse. *Journal of Pragmatics*, 14, 259-288.

Bousfield, D. (2008). *Impoliteness in interaction*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.

Bousfield, D., & Locher, M. (2008). *Impoliteness in Language*. Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.

Brown, P., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. London, UK: Cambridge University Press.

- Brown, R., & Gilman, A. (1989). Politeness theory and Shakespeare's four major tragedies. *Language in Society*, 18(2), 159-213.
- Craig, R., Tracy, K., & Spisak, F. (1986). The discourse of requests: assessment of a politeness approach. *Human Communication Research*, 12, 437-468.
- Culpeper, J. (1996). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of Pragmatics*, 25, 349-367.
- Culpeper, J. (2005). Impoliteness and entertainment in the television Quiz Show: The Weakest Link. *Journal of Politeness Research*, 1(1), 35-72.
- Culpeper, J., Bousfield, D., & Wichman, A. (2003). Impoliteness revisited: With special reference to dynamic and prosodic aspects. *Journal of Pragmatics*, 35(10-11), 1545-1579.
- De Klerk, V. (1992). How taboo are taboo words for girls? *Language in Society*, 21(2), 277-289.
- Eelen, G. (2001). *A critique of politeness theories*. Manchester, UK: St. Jerome Publishing.
- Goffman, E. (1967). On face-work: An analysis of ritual elements of social interaction. *Psychiatr: Interpersonal & Biological Processes*, 18 (3), 213-231.
- Grice, H. (1975). Logic and conversation. In P. Cole & J. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics Vol 3, Speech Acts* (pp. 41- 58). New York: Academic Press.
- Holmes, J. (1995). *Women, men and politeness*. London, UK: Longman.
- Holtgraves, T. (1986). Language structure in social interaction: Perceptions of direct and indirect speech acts and interactants who use them. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(2), 305-314.
- Holtgraves, T., & Joong-Nam, Y. (1990). Politeness as universal: Cross-cultural perceptions of request strategies and inferences based on their use. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(4), 719-729.
- Lachenicht, L. G. (1980). Aggravating language: A study of abusive and insulting language. *International Journal of Human Communication*, 13(4), 607-688.
- Ladegaard, H. J. (2004). Politeness in young children's speech: Context, peer group influence and pragmatic competence. *Journal of Pragmatics*, 36, 2003-2022.
- Lakoff, R. T. (1989). The way we were; or, the real actual truth about generative semantics: A memoir. *Journal of Pragmatics*, 13, 939-988.
- Leichty, G., & Applegate, J. L. (1991). Social-cognitive and situational influences on the use of face-saving persuasive strategies. *Human Communication Research*, 17(3), 451-484.
- Lim, T., & Bowers, J. W. (1991). Facework, solidarity, approbation and tact. *Human Communication Research*, 17(3), 415-450.
- Locher, M. A. (2004). *Power and politeness in action: Disagreements in oral communication*. Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.
- Mey, J. L. (2009). *Pragmatics*. Oxford: Elsevier.
- Morand, D. A. (1996). Dominance, deference, and egalitarianism in organizational interaction: A sociolinguistic analysis of power and politeness. *Organization Science*, 7(5), 544-556.
- Morand, D. A. (2000). Language and power: An empirical analysis of linguistic strategies used in superior-subordinate communication. *Journal of Organizational Behavior*, 21, 235-248.
- Penman, R. (1990). Facework and politeness: Multiple goals in courtroom discourse. *Journal of Language and Social Psychology*, 9, 15-38.
- Sifianou, M. (1992). *Politeness phenomena in England and Greece: A cross-cultural approach*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Smith, J. S. (1992). Women in charge: Politeness and directives in the speech of Japanese women. *Language in Society*, 21(1), 59-82.
- Smith-Hefner, N. J. (1988). Women and politeness: The Javanese example. *Language in Society*, 17(4), 535-554.
- Thomas J. (1995). *Meaning in interaction: An introduction to pragmatics*. London, UK: Longman.

Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Watts, R. J., Sachiko, I., & Konrad, E. (1992). Introduction. In R. J. Watts, I.

Sachiko & E. Konrad (Eds.), *Politeness in language: Studies in its history, theory and practice* (pp. 1-17). Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.